

فایده آنها هم بیاورند اگر صرفه ندارد که نمی آورند این مسئله خودش يك زارع شخصی است و بطی بيك انحصاری ندارد که از طرف دولت شده باشد بيك کسی که دیگری ميتواند بياورند که خير هيئتند که ميدانند بيك کسی درصدد است که کارخانه بياورد صبر میکنند تا به بينند آن چطور ميشود چون مدت دو سال این اجازه را فرزند داده اند که تا دو سال وارد کنند بنده دو سال را زياد ميدانم از این جهت من مخالف در کلیات این لایحه هستم و اگر آندو سال را کمتر بکنید آن وقت بنده موافق هستم با کلیات این لایحه والا اگر دو سال باشد دیگران تا دو سال شوند بنده بکلی معالقم با این لایحه

لواءالدوله - عرض کنم اولاً که باید دو این خصوص ما خیلی تشویق بکنیم اینگونه اشخاص را که زیاد شوند در مملکت ما و اینکه آقای حاج آقای میفرمایند دو سال زیاد است این شخص تصور کرده است و سنجیده است که در عرض دو سال شاید بتواند وارد کند ولی حرف در اینجا است که در خصوص مستخدمین خارجي يکروز گفتم حواجب آنها کم باشد وزیر ماله گفته که اگر طرف راضی شود این شخص که باین پنج ماده اجازه میگردد مای آئیم بيك ماده پنجمی بر این زیاد میکنم و از مدت کم میکنم! که بیشتر از این حمايت با مالیات یا چیز دیگر میخواست خودش می نوشت ما کاسه گرم تر از آتش که نیستیم پس امروز ما باید شروع بکنیم به ترویج کردن صنایع و بآنها رعايت بکنیم تا آنها بتوانند اینگونه کارخانجات در مملکت ما دایر بکنند در این صورت گمان نمیکنم هیچیک از آقایان مخالفتی بکنند .

حاج وکیل الرعایا - بنده بازم تکرار میکنم که آوردن اینچور اسباب آلات و کارخانه در مملکت تا وقتیکه از خود مملکت نمیتوانیم حاجت بیرون بياوریم مفید میدانم اما نه باین قدریکه در اینجا ما اهمیت میبیم که از گمرک معاف باشد و از مالیات هم معاف باشد من این کار را برای اینکه منفعت میخواهیم مقصود بنده اینست که مملکت از او منتفع بشود اینکه میفرمایند دولت باید مساعدت کند بله ما هم شنیده ایم و دیده ایم البته برای کارخانه و و شغل در مملکت دولت خیلی همراهی میکند حالاً باید دقت کرد که چگونه مساعدت میکند دولت روس و قتیکه ببیند میروند بآنجا حقوق گمرکی را بگیرد همینکه شد و برگشت بایران آن وقت مساعدت میکند و میگوید من این را بشما من پس میدهم یعنی تجارت را در سایر ممالک رواج میخواهم بدهم این غیر از این است که شما رفتار میکنید تمام برضد است آنچیزیکه برای تجارت و ثروت دولت خیلی باید مساعدت کند آن صادرات است که بقدری زیاد میشود که بر صادرات و بر تجارت مملکت میفزاید و بر عایدات گمرک میفزاید بله در صادرات هر چه بگویند بنده در گمرک کم را لازم میدانم ولی این بيك لایحه است که بيك چیزی برای بعضی دواجات که برای مردم سازی لازم است از گمرک معاف باشد میدهند این را بنده چیز غیر لازمی میدانم و این باید در اینجا

يك کارخانه داشته باشد و چون اصل آمواد اولیه در این مملکت بیشتر از همه جا موجود است و این صنعت بقدری اینچاقوب تر میبند که بنده گمان میکنم خیلی تکرار کنند! بشکونه اشخاص برای آوردن این قبیل کارخانجات و هیچ هم محتاج نباشد که دولت بآنها بيك کمکی بکند بلکه بيك تجارت بزرگی در این مملکت این مسئله خواهد شد .

افتخار الواعظین - اگر واقعا غیر از آقای حاج وکیل الرعایا مخالفت میفرمودند بنده میگفتم چندان اهمیت ندارد ولی ایشان تجارت را بهتر از بنده میدانند عرض میکنم آندولی که ماشین آلات میسازند در داخله خودشان از برای اینکه ماشین آلات از خارج بياورند بيك گمرک سختی بر او میکنند آنند که آن ماشین آلات وارد نشود برای اینکه ماشین آلات خودشان بصرف برسد ولی هر مملکتی که خودش ماشین آلات ندارد ناچار است که بيك مساعدهتی در ورود آنها او دولت بکند و اینکه میفرمایند که ماشین آلات را میخواهیم برای این کار و این منفعت عرض میکنم چرمها در مملکت شایونت را بتوسط ماشین آلات چرم میسازد و آنچرم را که شاید افراق نکرده باشیم یکن سی تومان بشما میفروشد این فایده از برای شما اینقدر بس که شما پوستی را که بدو هزار فروخته اید و آن پوست بر میگردد بمملکت شما و افشش بسه تومان دو تومان فروخته میشود و این ماشین آلات را که از گمرک معاف میداریم برای اینست که این نوبت در مملکت خودتان ساخته بشود و آن پول در جیب خودتان بماند .

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) پیشنهادی است از آقای ادیب التجار قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که در هر جا اسم جلالیانس نوشته شود متعاقب او تبعه دولت علیه ایران باشد

افتخار الواعظین - بله قبول دارم زیرا کمیسیون هم همین مقصود را [دارد نوشته میشود جلالیانس تبعه دولت علیه ایران .

نایب رئیس - رای گرفته میشود باین لایحه که متضمن چهار فقره است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آنتهایی که مخالفند ورقه آبی (در این موقع اخذ آراء گردید و بعد ذیل احصاء شد) ورقه سفید علامت قبول (۵۶) .

رئیس - با اکثریت ۵۶ رأی از ۷۲ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد دستور پنجمین ۳۰ ذی قعدة اول قانون شرکتها دوم راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بسیم نقاله راپورت کمیسیون بودجه راجع بصغار عیسی خان و قتم الله خان و عباسقلی خان آقای معاون فرمایشی داشتید .

معاون وزارت معارف - راجع بتأسیس مدارس بيك لایحه در دو سه هفته پیش گذشت بعد از گذشتن وزارت معارف شروع با اقدام در اجرای آن نمود در ضمن اجرا ملتفت شدیم که بيك نکته گذار شده است و مجبور شدیم بعد از مشورت با شورای معارف که بيك پیشنهادی بشود راجع بتقاضای که

تکمیل آقانون از مجلس شود راجع بآن تکمیل هجالتاً بيك تقاضای شده است که ملاحظه خواهد فرمود و چون افتاء وزارت معارف منوط به تکمیل آقانون است که معین شود و شروع بکار شود بنابراین که اگر ممکن است امروز والا در جلسه آتی مطرح شود که تکلیف این لایحه معین شود که بتوانیم بيك اقداماتی در آن بکنیم .

رئیس - بکمیسیون معارف فرستاده خواهد شد و هر چه زودتر در جزء دستور گذارده می شود .

سلیمان میرزا - در باب امر معارف و مدارس هر قدر زودتر اقدام بکنیم دیر اقدام کرده ایم و ما بعد از مدت ها نه مدرسه ابتدائی میخواهیم داشته باشیم و تقریباً هم باتفاق رأی داده شده است که تأسیس شود حالاً بيك مختصر چیزی که از آن فراموش شده است یعنی اساسیه مدرسه فراموش شده البته هر کس مدرسه را تصویب کرده است اساسیه او را هم تصویب کرده است اساسیه او را هم تصویب کرده است شاکردان باید میز و صندلی داشته باشند این چیزی نیست که بگذریم دیگر برود بکمیسیون و معائن شود بعد راپورت بدهند بياورند در مجلس استماع میکنم که آقایان هم با بنده همراهی بفرمایند و همین امروز جزء دستور شود و بيك شور هم در آن بشود و بگذرد تا وزارت علوم هم زودتر با اقدام آن شروع نماید که در اطهران و جا های دیگر اقله مدرسه ابتدائی داشته باشیم .

نایب رئیس - تقاضا میکنید برای جلسه پنج شنبه .

سلیمان میرزا - خير برای همین امروز .
نایب رئیس - چون آقایان وزراء تشریف آورده اند و مذاکراتی دارند و بملاوه عده هم برای مذاکرات کافی نیست بهتر این است که جلسه را ختم بکنیم و از طرف هیئت رئیسه سمی خواهد شد که زودتر در دستور گذاشته شود .

لواءالدوله - در خصوص آن صدو پنجاه هزار تومان که از بودجه دربار سلطنتی موضوع شده است و بعد صرفت بکمیسیون که مراجعه شود این اشخاص که ارباب حقوقند باین حق یا نا حق اینها دو سال حقوق گرفته اند مملکت هم گرامی است و اغلب فقیرند تقاضا میکنم که این مسئله جزء دستور گذاشته شود که تکلیف آنها معلوم شود .

نایب رئیس - راپورت این مطلب هنوز از کمیسیون بودجه نیامده است عده هم برای مذاکره کافی نیست . (مجلس نیم ساعت بفرود مانده ختم گردید)

جلسه ۳۱۴
صورت مشروح روز ۵ شنبه
سیم شهرذی قعدة الحرام ۱۲۲۶
رئیس آقای مومتن الملک دوساعت و چهل دقیقه از فرط آفتاب بجای خود جلوس نمودند پس از ده دقیقه مجلس منعقد گردید
صورت مجلس روز سه شنبه غمرا آقای آقامیرزا ابراهیم خان قرائت نمود
فنایین جلسه قبل - آقای آقا سید محمد باقر ادیب و آقای حسنعلی خان بدون اجازه آقایان آقا میرزا مرتضی قلی خان - حاج سید نصرالله ناصر الاسلام

با اجازه آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر کرده اند آقایان شیبانی و ممثل الدوله یکساعت و نیم با اجازه آقای سلیمان میرزا یکساعت و نیم آقای حاج وکیل الرها یا ۳۰ دقیقه آقای معین الرها یا نیم ساعت

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

رئیس - ملاحظاتی نیست (صورت مجلس تصویب شد) قانون شرکتها جزء دستور است ولی هنوز راپورت آن از کمیسیون داده نشده است باین ملاحظه راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بسیم نقاله را باید مقدم بداریم این شوراول است و مذاکرات در کلیات است مخالفی نیست

حاج سید ابراهیم - این اجازه است یا امتیاز است چون در این راپورت بعضی جاهایش نوشته شده است اجازه و بعضی جاهایش امتیاز متلا در ماده اول نوشته شده است مجاز است همچنین در ماده دیگرش نوشته شده است که مدت این اجاز ۵۰ سال است سال است بعد در باین تمام را امتیاز میگویند خوب است آقای مخبر توضیح بدهید

افتخار الواعظین (مخبر) در جاهائی که در لایحه اسم برده شده که شرکت سیم نقاله در آن خطوط سیم میکشد در آن جاها حمل و نقل ذغال و سایر چیزها بطریق انحصار و امتیاز داده میشود

بهجت - با این اجازه یا امتیاز بنده مخالف ندارم فقط یک چیزی است که اینجا باید قید شود و قید نشده است و آن این است که وقتیکه یک شرکت امتیازی داده میشود باید در آن شرکت نام یا امتیاز نامه اسم بکسی از آن شرکاء را برده باشند که بدین مثل اینکه بنویسند محمد حسین و سایر شرکاء بواسطه این که ما هیچ یک از اعضاء این شرکت را نمی شناسیم شرکت عبارت از یک منی کلی است که حاصل میشود از اجتماع چند نفر و اجازه ممکن نیست بیمنی داده شود باشخاص داده میشود پس باید لا اقل اسم یکی از آن شرکاء برده شود و باقی را باسم سایر شرکاء اسم ببریم مثلا نوشته شود بهرام و سایر شرکاء و گمان میکنم در این خصوص مخالفی نباشد

افتخار الواعظین - آنچه را که میفرمائید در قانون شرکتها هست و این شرکت هم شرکت نام نوشته و رسماً خودشان را بوزارت تجارت معرفی کرده اند و برای شرکت هم اسم معین کرده اند و یک نسخه از این شرکت نامه پیش هر یک از آن ها هست و این لایحه هم وقتی بهیئت وزراء تقدیم شده بود دو نفر از شرکاء آن را امضاء کرده اند و آن شرکت نامه هم خدمت هیئت وزراء موجود است و این را هم می خواستم عرض کنم که وقتیکه برای داخل شدن در مواد رأی میگیرید خاطر مبارک آقای رئیس باشد که معاون وزارت معارف در کمیسیون تقاضای فوریت کردند و حالا نیستند که خودشان تقاضای فوریت بکنند و بنده تقاضای فوریت میکنم که در فوریت هم رأی گرفته شود

آقا سید حسن مدرس - اولاً انشاءالله تعالی امیدواریم که همه روزه در مجلس دارالشوری ملی امتیاز نسبت بپرخ ها و معدن ها داده شود که

انشاءالله الرحمن با مساعدت دولت ملک روبروفی بگذارد و لکن یک مطلبی که مرکز انشان تمام آقایان هست جهتش را نمیدانم لابد مستفسر شوم و آن این است که دولت البته باید کمال مساعدت را در این گونه کارها بکند و امداد بکند بهر نحوی که ممکن است و لکن من در ملک خودمان باید بفهمم که نکته اینکه اگر این گونه امتیاز از دولت گرفته شد باید بعد از مدتی تمام متعلقت واگذار شود چیست

رئیس - در کلیات بفرمائید

مدرس - این در کلیات است کلیات یک اموری است متعلق ببلاد و بر میگردد به یکی از مواد و الا کلیات فی نفسها مفاهیم است و قابل نزاع نیست حالا باید عرض کنم که جهت ندارد که در این سئله هم ما تقلید از ممالک دیگر بکنیم که اگر کسی سیمی بکشد بعد از ده سال سی سال چهل سال دیگر بدولت واگذار کند منتهی مطلبی که به توایم بگویم خراجی باقتضای ملکیت بر او قرار بدهند و الا اینکه بدولت واگذار کنند این یک فلسفه می خواهد که باید به فرمائید تمام مستحضرشویم مطالب دیگر اینکه اولیای امور البته از هیئت وزراء و وکلای ملت و سایرین باید کمال مساعدت را در اینگونه مطالب بکنند و هم خودش را بر این بگذارند که اجناس داخله رواج بگیرد و مقدم باشد پس در این مواد باید ملاحظه این مطلب بشود که آنچه اسباب رواج این صنعت است بخواهی زودی در داخله خودشان فراهم بیاورند انشاءالله الرحمن عرض دیگری ندارم

معین الرعا یا - این ایرادی که آقای فرمودند که چرا باید این سیم و متعلقات آن بعد از پنجسال بدولت واگذار شود

رئیس - عرض کردم این راجع بکلیات نیست راجع ب ماده ۱۲ است

معین الرعا یا - بله ایرادی که آقای بهجت کردند جوابش را آقای مخبر دادند و اما اینکه فرمودند که بعضی جاها امتیاز و بعضی جاها اجازه نوشته اند این در حقیقت اجازه است و فقط امتیاز است نسبت بآن معدن ذغال سنگی که از آنجا ذغال خواهند آورد تا یک حدود معینی که دیگر کسی غیر از شرکت نتواند ذغال بیاورد و الا اجازه است و دیگری مجاز نیست

رئیس - در باب کلیات گویا مذاکرات کافی باشد - رأی میگیریم که داخل در مواد بشویم باخیر آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور مواد بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقای مخبر تقاضای فوریت این لایحه را میکنند یعنی یک شور بشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول (بیمارت ذیل شرانده شد)

ماده ۱ - شرکت قند سازی کهریزک مجاز است که از اوشان به تهران و از تهران به کهریزک تاسیس سیم نقاله نماید

حاج سید ابراهیم - آن حرف بنده در این ماده خوب واضح است بجهت اینکه میگوید

شرکت تاسیس سیم نقاله نماید یعنی مانع نیست که دیگری هم احداث نماید ولی در بعضی موارد دیگری میگوید امتیاز سیم و معنایش اینست که دیگری حق ندارد احداث سیم نقاله نماید و این دو با هم فرق میکند بجهت اینکه اگر امتیاز است میتوانیم بگوئیم بعد از پنجاه سال بدولت واگذار میکند و الا اجازه باشد دیگر نمیشود بقیه بنده مجاز است صحیح نیست اگر امتیازات که باید نوشته شود امتیاز کشیدن سیم نقاله را دولت بشرکت واگذار میکند و الا اینکه مدت برایش قرار بدهیم حقوق برایش قرار بدهیم هیچ تفاوت ندارد با انحصار بودن

افتخار الواعظین - بنده برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم این دو شکل است دولت امتیاز کشیدن سیم نقاله را در طهران یا در ایران مطلقاً باین شرکت واگذار میکند نسبت باین معنی امتیاز نیست اجازه است اما نسبت باین خطوطی که معین میشود که از اوشان بطهران و از طهران به کهریزک و از کهریزک بسایر نقاط از قبیل رودبار و لار بکشد یا از کهریزک برای حمل چغندر برای جا های دیگر بکشد در اینخصوص سیم منحصر است باین شرکت و امتیاز است یعنی دیگری نمیتواند در این خط بفاصله بگذرد و نیم سیم نقاله بکشد و نسبت باین خط امتیاز است ولی نسبت بگلیه ایران یا طهران البته اجازه است و امتیاز نیست

حاج شیخ اسدالله - خود آقای مخبر تصدیق میکنند که همین خط سیمی را که میخواهند بکشند امتیاز است و بنده عرض میکنم اصرار کردن در مدافعه با اینکه عبارت برواضح است از زومی ندارد کیانی میخواهد امتیاز سیم نقاله را از اوشان بتهران و از طهران بکهریزک بگیرد و اینجا نوشته است اجازه در صورتیکه مقصود او امتیاز است اجازه یعنی چه ؟ ما که در باب امتیاز حرفی نداریم ولی این امتیاز است و باید امتیاز نوشته شود و در خصوص شرکت آن ایرادی که آقای بهجت فرمودند آقای مخبر جواب ندادند شرکت قند سازی کهریزک شرکت است چه چیز است که مجاز است شرکت یک مفهومی است که منتزع میشود از یک شرکائی که حاضر شده اند از برای تاسیس این کیانی و احداث این سیم و علاوه بر این باید اسم آن شرکاء و آن شرکت برده شود که این تاسیس از کی است و راجع بکیست باید اسمش در اینجا معین شود و گفته شود که رئیس آن کیست و اینکه اینجا نوشته میشود شرکت قند سازی کهریزک مجاز است این غلط است

افتخار الواعظین - اما در باب لفظ مجاز و امتیاز چون شرکت ودولت و کمیسیون هم مقصودشان امتیاز در این خط است بنده هم مخالف نیستم با اینکه یکی از آقایان پیشنهاد بکنند و امتیاز نوشته شود اما اینکه می فرمائید شرکت باید امضاء بکنند و اسمایش باید معین باشد عرض کردم آنچه باید معین شود راجع بقانون شرکتهاست و اینها شرکت نامه قانونی نوشته اند و شرکاء و مؤسین خودشان را رسماً بوزارت تجارت معرفی کردند و رسماً در عدلیه تمبر زده شده است و اینجا که نوشته میشود شرکت نقاله در قانون شرکتها هم اگر خاطر مبارکشان باشد که در روز شنبه راپورت داده

خواهد شد تمام معاملات شرکتها نوشته شده است معلوم است معامله باسم شرکت خواهد بود

آقا میرزا احمد - بنده تایید میکنم فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله را شرکت مجاز است معنی ندارد شرکت یک معنایی دارد که تقریباً یکبهیئت هارنه است بر اشخاص شرکاء و همانطور که گفتند معناً اجازه راجع بشرکاء است و همانجوری که قانون شرکتها اگر چه نگذشته است که باید یکی از شرکاء را معین کنند و هم یکی را که نوشتند بعد بنویسند و سایر شرکاء هم بنویسند و بنده بنویسند نوشته شود که از شرکاء را اسم ببرند و بنده بنویسند مجازند تا اینکه معناً هم درست باشد

معین الرعا یا - لفظ اجازه اینجا هیچ عیبی نخواهد داشت دولت هم اجازه داده است در این مواد بایست همین لفظ اجازه باشد بواسطه اینکه دولت که تمام خطوط سیم نقاله را بکیانی نمی دهد در خط مخصوص در ماده ذیل خواهد آمد که آنجا رسم امتیاز نوشته میشود اما راجع بلفظ شرکت این شرکت تاسیس شده است و اسمی شرکاء را هم بوزراء معرفی کرده اند و این شرکت یک شرکت سهامی خواهد بود بازم اگر بخواهند اسمی یکی دونفر مؤسین نوشته شود بنده مخالف نیستم

لواء الدوله - بنده از آقای مخبر سؤالی داشتم

رئیس - بفرمائید

لواء الدوله - بنده سؤالم این بود که آقای مخبر توضیح بدهند چون تا بحال سیم نقاله در ایران نبوده است توضیح بدهند که سیم نقاله چیست و بجهت شکل تاسیس میشود که بدینجهت چه برای میبیم

رئیس - این راجع بکلیات بود و موقعش گذشته است

حاج شیخعلی خراسانی - اینماده اول یک کلی است که شامل مواد بعد خواهد شد نوشته است که شرکت قند سازی کهریزک مجاز است که از اوشان بطهران و از طهران بکهریزک تاسیس سیم نقاله نماید باینکه این را اضافه کنیم بواو ذیل باینکه اینماده را بگذاریم تا آنماده که گذشت آنوقت این ماده کلی را بگذرانیم والا اگر ما باین ماده رأی بدهیم گویا بخواهد بدهیم رأی داده ایم پس بهتر این است که این ماده باشد تماماً بعداً تصویب بکنیم آنوقت اینماده که کلی است خودش تصویب شده و رأی میبیم

رئیس - در ماده اول آقایان مذاکره را کافی نمی دانند ؟ (افهار کردند کافی است)

رئیس - دوقدره اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود و رأی میگیریم (بترتیب ذیل خوانده شد) اول - از طرف آقای شیبانی - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه تاسیس سیم نقاله نوشته شود امتداد سیم نقاله

(۲) - از طرف آقای حاج سید ابراهیم) بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول اینطور نوشته شود - دولت امتیاز امتداد سیم نقاله را از مرکز اوشان بطهران و از طهران بکهریزک بشرکت قند سازی کهریزک واگذار می نماید

شیبانی - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میکنم

افتخار الواعظین - آقای دکتر اسمعیل خان هم پیشنهادی کرده اند

رئیس - آقای دکتر اسمعیل خان هم پیشنهادی کرده اند خوانده میشود (پیشنهاد مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول امتیاز تاسیس سیم نقاله مطابق مواد ذیل از کهریزک بطهران و از طهران باوشان بشرکت قند سازی داده میشود

افتخار الواعظین - بنده اینرا قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم را قبول ندارید

افتخار الواعظین - هر دو یکی هستند

حاج سید ابراهیم - بنده مسترد میکنم

شیبانی - بنده پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم را قبول میکنم

رئیس - استدلال کنید

شیبانی - مقصود بنده اینست که یا تمهید یا امتداد نوشته شود تاسیس غلط است و امتداد صحیح است مقصود اینست که بطوری که پیشنهاد شده است باید امتداد نوشت

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج سید ابراهیم که آقای شیبانی اختیار کرده اند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند عده قبلی قیام کردند)

رئیس - تصویب شد آقای آقا میرزا احمد اصلاحی پیشنهاد کرده اند قرائت میشود و رأی میگیریم (پیشنهاد مزبور ببارت ذیل قرائت گردید)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول باین قسم نوشته شود از باب کمیسیون و شرکاء مجازند الی آخر

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید

افتخار الواعظین - عرض کردم در این لایحه که پیشنهاد شده است بهیئت وزراء دو نفر از شرکاء امضاء کرده اند و بمجلس هم از طرف هیئت وزراء پیشنهاد شده است و بنده نمیتوانم قبول کنم

آقا میرزا احمد - بنده هم میدانم که در آن لایحه اسم برده شده است ولی میخواهم عبارت غلط نوشته نشود شرکت مصدر است و استعمالش در شرکاء صحیح نیست و اینکه اسم آقای ارباب کمیسیون را نوشته ایم برای این بود که اسمی دیگران را نمیدانستیم و الا تصویب باسم آقای ارباب کمیسیون نمیدم حالا یا اسم ارباب یا اسم دیگری یکی را اسم ببرند و شرکاء را هم پشت سرش بنویسند و مجازند هم بنویسند

دکتر سعیدالاطباء - عرض کنم اولاً در اینکه اینجا اسم برده نشده است محض اینست که بعد که خواستند سهام درست کنند ممکن است دوهزار سه هزار شریک باشند و هجالتاً چند نفر خودشان را آنجا معرفی کرده اند هست چون این چند نفر میخواهند اوراقی توزیع کنند در آنصورت شرکاء زیاد خواهد شد از این جهت اسم نبرده اند که اسمی برای این شرکت گذارده شود

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای آقا میرزا احمد آقا بانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - قابل توجه شد این ماده میماند

ماده دوم خوانده میشود (بطریق ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - شرکت میتواند در موقع لزوم از مرکز اوشان رشته سیم نقاله خود را تا بهریک از

معدن ذغال سنگ که میتواند از برای خود در حدود لار و رودبار تهیه نماید پس از اجازه وزارت فوائد عامه امتداد دهد

آقا محمد بروجردی - اولاً پس از اینکه سؤال پیشنهاد تصویب شد ابتدا باید نوشته شود شرکاء میتوانند و ثانیاً اینجا نوشته است (رشته سیم نقاله خود را تا بهریک از معدن ذغال سنگ که میتواند) این لفظ تا بهریک از معدن ذغال سنگی که میتواند لفظ مطلق است که میفهماند که از قبیل خوار و وران هم که باشد امتداد دهد بعد میگوید از برای خود در حدود لار و رودبار تهیه نماید این دو عبارت متناقض است اگر مقصود همان حدود لار و رودبار است دیگر تا بهر اندازه که میتواند نخواهد و اگر مقصود اینست که تا بهر جا که میخواهد امتداد دهد دیگر تمیز حدود لار و رودبار را نمیخواهد این دو عبارت تا یک اندازه تناقض دارند

افتخار الواعظین - پیشنهاد دیگری است بامضاء آقای ارباب کیخسرو و کمیسیون هم تصویب کرده است (پیشنهاد مزبور بعنوان ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - شرکت قند سازی میتواند در موقع لزوم از مرکز اوشان رشته سیم نقاله خود را تا بهریک از معدن ذغال سنگ که میتواند از برای خود در حدود لار و رودبار تهیه نماید (و نیز از مرکز کهریزک از برای حمل چغندر که میتواند در وراه این و شرکاء تهیه کند) پس از اجازه وزارت فوائد عامه امتداد دهد

رئیس - این ماده مطرح مذاکره شود

مخبر - بله

بهجت - این ماده دوم بعضی الفاظ زیادی دارد که بنده اینها را هیچ لازم نمیدانم

رئیس - بهمین ترتیب که خوانده شد

بهجت - بله بهمین ترتیب که آقای مخبر فرمودند علاوه هم شد حالا لفظ شرکت که باید تبدیل شود بشرکاء اینهم البته معلوم است در موقع خودش اینکار را میکنند این یک چیزی طبیعی است و این عبارت که از مرکز اوشان رشته سیم نقاله خود را تا بهریک از معدن ذغال سنگ که میتواند از برای خود در حدود لار و رودبار باین تمام یک لفظ میخواهد که در حدود رودبار ولیکن یک لفظی است اینجا که حتماً زیادی است و آن اینست که نوشته است پس از اجازه وزارت و وزارت فوائد عامه اگر از مجلس اجازه یا امتیاز داده شد دیگر اجازه تسانوی وزارت فوائد عامه لازم نیست باید اطلاع بدهد و اطلاع وزارت فوائد عامه برای اینست که وزارت فوائد عامه اطلاع داشته باشد که از کدام معین بر میدارند و مصرف میکنند و باید اطلاع بدهد برای اینکه وقتیکه از طرف مجلس مجاز شد میتواند و الا میسریم از آقای مخبر که فایده این اجازه چه چیز است که باو میدهند که اگر خواست و لازم دانست یکی از معدن سیم اوشان را وصل کند آنوقت اگر وزارت فوائد عامه اجازه نداد چه خواهد شد یعنی نمیتواند یا می تواند اگر میتواند دیگر اجازه لازم نیست اطلاع بنویسند دیگر اینکه از آقای مخبر خواهش میکنم که این عبارت آخری را یک قدری مختصر بکنند بنویسند معدن لار زیرا

که از هر يك از آن معادن که کشف شده است این امر میگویند لار و اجازه تعیین با اطلاع شود.

افتخار الواعظین

بنده عرض کنم بایشان تا اینکه بدانند هیچ کلمه زائد نیست بالفعل این شرکت سیم نقاله خودش را از اوشان بپهران و از تهران میکنند تا که هر یک که ذغال سنگ استخراج برای کارخانه که از برای تجارت و از برای آن قوم که آن ذغال سنگ و سایر محمولات را با سیم حرکت میدهد برای تهران یا که هر یک از کارخانه در اوشان ساخته خواهد شد - اینکه می نویسد در موقع لزوم از برای اینستکه امروز شاید در معادن کار میکنند که بکار فرسخ با اوشان فاصله دارد و آن یک ربع فرسخ را با مال یا با گاری ذغال می آورند با اوشان و با سیم نقاله آن وقت نقل میشود و شاید دوسال بعد معادن ذغال سنگ دو فرسخ یا سه فرسخ عقب تر رفت و آن وقت اگر لازم دانست امتداد خواهد داد و اگر لازم دانست مجبور نیست اما معادنی که در لار و رودبار نوشته شده است و محدود و معین شده است شاید یک وقتی یک معدنی از خود آن محل رودبار یا از محل لار تجاوز کرده باشد بعد خود اینستکه حدود نوشته شده است که شامل همه جا باشد و بعد جهت معین نشده است برای اینکه یک یک مرتبه بطرف راست میروند یک مرتبه بطرف چپ یک وقت لازم میدانند سیم را بطرف راست ببرد و یک وقتی بطرف چپ و اما اینکه فرمودند وزارت فوائد عامه چرا باید آنوقت اجازه میدهد بله قانون معادن اگر از مجلس گذشت آنوقت خواهد دید بعد از آن تمام امتیازات یک ماده خواهد شد و این اجازه امروز بکمیانی داده میشود که وقتی سیم میکند منافع دولت محفوظ باشد و از بعضی محمولات دولت ده یکنمی گیرد و شاید بعضی جاها را دولت تصویب میکند بعضی جاها را نمیکند هشت که نوشته شده است پس از اجازه وزارت فوائد عامه و این باشد و اما اینکه جدید نوشته شده است چون دو کار مهم و دو شکل بزرگ بوده است برای قند سازی یکی رسیدن و رساندن چغندر برای کارخانه است از اعراق و یکی هم ذغال سنگ اینجا هم اجازه میدهد بشرکت که از که هر یک هم بعضی نقاط دیگر از برای حمل چغندر لازم دانست که سیم خودش را امتداد دهد آنجا هم میتواند که با اجازه وزارت فوائد عامه سیم خودش را امتداد دهد و بنده گمان میکنم که اینجا کلمه زیادی نوشته نشده است از ماون ذغال سنگ که میتواند از برای خودش تهیه نماید چون او هنوز تهیه نکرده است شاید بعد از این یک معدنی اجازه بکند و از دولت اجازه بگیرد و اینست که بکلمه جامعه نوشته شده است که بهر نقطه که لازم بدانند میتواند سیم خودش را امتداد دهد.

رئیس - گویاندا کرات کافی باشد یک مرتبه دیگر خوانده میشود. (مجدد آریورت جدید ماده ۲ خوانده شده) **رئیس** - اصلاحات خوانده میشود (ببابت ذیل خوانده شده) (۱) - از طرف آقای حاج هزالمالک

که از هر يك از آن معادن که کشف شده است این امر میگویند لار و اجازه تعیین با اطلاع شود. **حاج جعفر الممالک** - مقصود بنده مخالفت با قسمت آخری که از که هر یک از اوشان و شهریار بنده مخالف نیستم که با آخر پیشنهاد بنده اضافه بشود اگر آقای مغیر توجیه داشته باشند آنجا مینویسند که هر یک از معادن ذغال سنگی که در حدود لار و رودبار باشد امتداد دهند والا اینکه نوشته است می تواند تهیه نماید با اعتقاد بنده این معنی ندارد که در این نامه نوشته شود بجهت اینکه این اجازه داده میشود برای اینکه امتداد سیم بدهد از اوشان بلار و رودبار یا از که هر یک از شهریار این دیگر لازم نیست اگر میتواند چغندر و ذغال سنگ تهیه نماید این خارج از موضوع این اجازه است که میبایست و باید صریحاً نوشته که فقط ما این اجازه را میدهم و میتواند تهیه نماید این عقیده من زیادی است.

رئیس - کمیسیون چه میگوید. **افتخار الواعظین** - اما لفظ شرکاء چون ماده اول ماده است البته اگر قبول شود اسم یکی از شرکاء نوشته میشود ولی آنچه را که آقا میفرمایند که لفظ تهیه زیادی است زیاد نیست و کمیسیون از جهانی نوشته است و این را نمیتواند قبول کند. **رئیس** - رأی میگیریم با صلاح آقای حاج هزالمالک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (ماده قیام کردند). **رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاح آقای بهجت (اصلاح آقای بهجت ببابت ذیل قرائت شد) بنده تقاضای کنم که ماده ۲ اینطور اصلاح شود ارباب - کیخسرو و شرکاء مجازند که از مرکز اوشان تا معادن حدود لار و رودبار الی آخر.

سیم نقاله خود را به هر يك از معادن ذغال سنگی که در حدود لار و رودبار باشد امتداد دهند.

حاج جعفر الممالک

بنده عرض کنم بایشان تا اینکه بدانند هیچ کلمه زائد نیست بالفعل این شرکت سیم نقاله خودش را از اوشان بپهران و از تهران میکنند تا که هر یک که ذغال سنگ استخراج برای کارخانه که از برای تجارت و از برای آن قوم که آن ذغال سنگ و سایر محمولات را با سیم حرکت میدهد برای تهران یا که هر یک از کارخانه در اوشان ساخته خواهد شد - اینکه می نویسد در موقع لزوم از برای اینستکه امروز شاید در معادن کار میکنند که بکار فرسخ با اوشان فاصله دارد و آن یک ربع فرسخ را با مال یا با گاری ذغال می آورند با اوشان و با سیم نقاله آن وقت نقل میشود و شاید دوسال بعد معادن ذغال سنگ دو فرسخ یا سه فرسخ عقب تر رفت و آن وقت اگر لازم دانست امتداد خواهد داد و اگر لازم دانست مجبور نیست اما معادنی که در لار و رودبار نوشته شده است و محدود و معین شده است شاید یک وقتی یک معدنی از خود آن محل رودبار یا از محل لار تجاوز کرده باشد بعد خود اینستکه حدود نوشته شده است که شامل همه جا باشد و بعد جهت معین نشده است برای اینکه یک یک مرتبه بطرف راست میروند یک مرتبه بطرف چپ یک وقت لازم میدانند سیم را بطرف راست ببرد و یک وقتی بطرف چپ و اما اینکه فرمودند وزارت فوائد عامه چرا باید آنوقت اجازه میدهد بله قانون معادن اگر از مجلس گذشت آنوقت خواهد دید بعد از آن تمام امتیازات یک ماده خواهد شد و این اجازه امروز بکمیانی داده میشود که وقتی سیم میکند منافع دولت محفوظ باشد و از بعضی محمولات دولت ده یکنمی گیرد و شاید بعضی جاها را دولت تصویب میکند بعضی جاها را نمیکند هشت که نوشته شده است پس از اجازه وزارت فوائد عامه و این باشد و اما اینکه جدید نوشته شده است چون دو کار مهم و دو شکل بزرگ بوده است برای قند سازی یکی رسیدن و رساندن چغندر برای کارخانه است از اعراق و یکی هم ذغال سنگ اینجا هم اجازه میدهد بشرکت که از که هر یک هم بعضی نقاط دیگر از برای حمل چغندر لازم دانست که سیم خودش را امتداد دهد آنجا هم میتواند که با اجازه وزارت فوائد عامه سیم خودش را امتداد دهد و بنده گمان میکنم که اینجا کلمه زیادی نوشته نشده است از ماون ذغال سنگ که میتواند از برای خودش تهیه نماید چون او هنوز تهیه نکرده است شاید بعد از این یک معدنی اجازه بکند و از دولت اجازه بگیرد و اینست که بکلمه جامعه نوشته شده است که بهر نقطه که لازم بدانند میتواند سیم خودش را امتداد دهد.

رئیس - کمیسیون چه میگوید. **افتخار الواعظین** - اما لفظ شرکاء چون ماده اول ماده است البته اگر قبول شود اسم یکی از شرکاء نوشته میشود ولی آنچه را که آقا میفرمایند که لفظ تهیه زیادی است زیاد نیست و کمیسیون از جهانی نوشته است و این را نمیتواند قبول کند. **رئیس** - رأی میگیریم با صلاح آقای حاج هزالمالک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (ماده قیام کردند). **رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاح آقای بهجت (اصلاح آقای بهجت ببابت ذیل قرائت شد) بنده تقاضای کنم که ماده ۲ اینطور اصلاح شود ارباب - کیخسرو و شرکاء مجازند که از مرکز اوشان تا معادن حدود لار و رودبار الی آخر.

رئیس - رأی میگیریم با صلاح آقای حاج هزالمالک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (ماده قیام کردند). **رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاح آقای بهجت (اصلاح آقای بهجت ببابت ذیل قرائت شد) بنده تقاضای کنم که ماده ۲ اینطور اصلاح شود ارباب - کیخسرو و شرکاء مجازند که از مرکز اوشان تا معادن حدود لار و رودبار الی آخر. **بجذب** (پس از اجازه وزارت الی آخر) **بهجهت** - چند چیز است که باید حذف شود یکی اینکه معمولاً این سیم نقاله چه باشد گمان نمیکنم که لازم باشد که نوشته شود تا اینجا چون آماده ثانی قابل توجه شد لازم نبود که این باسم شرکت باشد برای اینکه همینقدر که نوشتیم حدود لار و رودبار کافی است اما این که میفرمایند قانون شرکتها خواهد گذشت این یک چیز است که حواله میکنم بر آن قانونیکه از مجلس نگذشته است و این صحیح نیست برای این که آن قانون نگذشته است و وقتیکه گذشت این چیزهاییکه گذشته است مستثنیات است حالا بنده میدانم قانون آتی چه خواهد شد مقصود اینست که ما نمیتوانیم اینرا مبتنی بکنیم بر یک قانونیکه بعد خواهد آمد و گمان میکنم که اگر این قید نباشد اسباب تشویق خواهد شد والا اگر مقید باشد با اجازه دیگری با اجازه نداده ایم فقط یک تمارنی است که بآنها کرده ایم.

رئیس - این اصلاح را قبول دارید **افتخار الواعظین** - بنده کلاماً مقصود آقایارا ملتفت نشدم و نمیتوانم قبول کنم. **رئیس** - رأی میگیریم با صلاح آقای بهجت آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند (ماده قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد - رأی میگیریم بساده دو.

آقامیرزا احمد

بنده در رأی عرض دارم نمیشود بلفظ شرکت رأی گرفت. **رئیس** - تفاوت نمیکند اگر بنا شد لفظ ارباب کیخسرو و شرکاء باشد با اینطور نوشته میشود اگر شرکاء شد شرکاء اگر بنا شود حالا رأی نمیگیریم تمام مواد میباید رأی میگیریم آقایانی که ماده دو را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد - ماده ۳ (ماده ۳ ببابت ذیل قرائت شد) **ماده ۳** - مدت این اجازه از تاریخ امضاء سال شمسی خواهد بود.

آقامیرزا ابراهیم خان - بنده جای این ماده را پس از ماده اول میدانم که میگوید شرکت قند سازی که هر یک مجاز است که این سیم امتداد بدهد بعد جایش این است نوشته شود این اجازه برای چه مدتی است اگر صلاح بدانند مغیر کمیسیون و قبول میکنند تصور میکنم این طور بهتر باشد. **افتخار الواعظین** - میتوانم قبول بکنم ماده دویم بجای ماده سوم گذارده شود و ماده سیم بجای ماده دویم.

حاج سید ابراهیم - در ماده اول که مذاکره شد این اجازه است یا امتیاز آقای مغیر گفتند که امتیاز است و واقعاً هم امتیاز است بجهت این که خصایص امتیاز که تعیین مدت و قیوم باشد اما اینکه میفرمایند اجازه باشد و امتیاز نباشد بنده عرض کردم یک معنی اجازه است و یک معنی امتیاز است و انحصار امتیازات در این خطوط معنی که این سیم کشیده میشود والا اگر شما بخواهید در این حدود همین باو انحصار ندهید و فردا دیگری بخواهد در این خطوط بفاصله یک زرع یا دو زرع سیم امتداد بدهد کارخانه قند سازی راه بیندازد با این مشکلاتی که امروز فراهم است و دولت از حیث رساندن ذغال با او مساعدت نکنند و در این خطوط معین انحصار و امتیاز ندهید آنوقت این شرکت چطور میتواند در مقابل رقابتهای تجاری خارج استادگی بکند و ذغال سنگ را بشکلی برساند که برای او فایده داشته باشد عرض کردم نسبت به کلیه تهران و حدود تهران و کلیه معادن ذغال تهران انحصار نیست هر کس میتواند اجازه بخواهد اما نسبت باین خطوط معین باید انحصار باشد که این شرکت بتواند صافاً قریب در داخله مملکت قند فراهم کند و بشما قند ایرانی بفروشد باید کمال مساعدت را بفرمائید که امتداد سیم در این حدود منحصر باو باشد.

رئیس - پس تغییر میدهد پیشنهاد خودتانرا **افتخار الواعظین** - بله نوشته شود مدت این امتیاز تا تاریخ امضاء سال شمسی خواهد بود. **رئیس** - پیشنهاد خودتان را در جلسه خوب نیست تغییر بدهید قبل از وقت باید تغییر بدهید (مجدداً ماده ناله قرائت شد) **میرزا یونس** - بنده مسئله امتیاز و انحصار را بکلی مخالف هستم و در هیچ مملکتی که مشروطه است که در واقع نظریه بیشتر صنایع میکنند هیچوقت امتیاز نمیدهند فقط اجازه است بنده تخلی خورسندم و بنده تخمین یکی از اعضاء کمیسیون که شاید

که راه آهن نیست و وسائل حمل و نقل خیلی کم است و مشکل است البته وضعی ممکن باشد اجناس را ارزان تر و زودتر یک جایی و از محلی بمعزل دیگر ببرند این یکی از بزرگترین وسایل برای ترقی مملکت است ولی نه آنکه بشکل امتیاز داده شود پیشکل اجازه بدهند یک شرکتی اگر آن شرکت خوب استفاده کرد و خوب هم استفاده خودش را و هم استفاده دیگران را حفظ کرد این همیشه در دست او خواهد بود ولی اگر خواست بواسطه این خطی که در دست او است یک تمدی بکند و از حدود عدالت خارج بشود البته آنوقت اجازه میدهد که شرکت دیگری یک خطی بپهلوی او احداث بکند و همین ترس او را مجبور میکند که هیچوقت از حدود عدالت خارج نشود و البته باید بدانم که یک وقتی این مسئله فایده خواهد کرد که جوری حرکت میکند پولش صدی - دو دوازده پانزده فایده به بگذرد که معمول مملکت است البته کسی نمی آید یک مغزاج خون الماده بکند و پهلوی او یک چنین احدائی بکنند والا اگر غیر از این کرد دیگران هم ترس اینرا خواهند داشت که دیگران هم میانند و همین ترس اسباب این میشود که این اجازه هم با صاحبان خودش فایده دهد بجهت اهالی وینده بکلی مخالف هستم با امتیاز و انحصار اجازه بنویسند.

افتخار الواعظین

اولا بنده امیدوارم و همین شکل هم هست که مجلس شورای ملی نسبت به شرکت و پیشرفت این شرکت و دایر شدن این کارخانه قند سازی کمال مساعدت و همراهی بفرمائید اما اینکه میفرمایند اجازه باشد و امتیاز نباشد بنده عرض کردم یک معنی اجازه است و یک معنی امتیاز است و انحصار امتیازات در این خطوط معنی که این سیم کشیده میشود والا اگر شما بخواهید در این حدود همین باو انحصار ندهید و فردا دیگری بخواهد در این خطوط بفاصله یک زرع یا دو زرع سیم امتداد بدهد کارخانه قند سازی راه بیندازد با این مشکلاتی که امروز فراهم است و دولت از حیث رساندن ذغال با او مساعدت نکنند و در این خطوط معین انحصار و امتیاز ندهید آنوقت این شرکت چطور میتواند در مقابل رقابتهای تجاری خارج استادگی بکند و ذغال سنگ را بشکلی برساند که برای او فایده داشته باشد عرض کردم نسبت به کلیه تهران و حدود تهران و کلیه معادن ذغال تهران انحصار نیست هر کس میتواند اجازه بخواهد اما نسبت باین خطوط معین باید انحصار باشد که این شرکت بتواند صافاً قریب در داخله مملکت قند فراهم کند و بشما قند ایرانی بفروشد باید کمال مساعدت را بفرمائید که امتداد سیم در این حدود منحصر باو باشد.

افتخار الواعظین

عوض لفظ اجازه امتیاز نوشته شود. **رئیس** - پس تغییر میدهد پیشنهاد خودتانرا **افتخار الواعظین** - بله نوشته شود مدت این امتیاز تا تاریخ امضاء سال شمسی خواهد بود. **رئیس** - پیشنهاد خودتان را در جلسه خوب نیست تغییر بدهید قبل از وقت باید تغییر بدهید (مجدداً ماده ناله قرائت شد) **میرزا یونس** - بنده مسئله امتیاز و انحصار را بکلی مخالف هستم و در هیچ مملکتی که مشروطه است که در واقع نظریه بیشتر صنایع میکنند هیچوقت امتیاز نمیدهند فقط اجازه است بنده تخلی خورسندم و بنده تخمین یکی از اعضاء کمیسیون که شاید

مدخلیتی هم داشته باشد در اینکار که گفتند اینجا اشتباه شده است این اجازه است امتیاز نیست و بنده مقیدم این است که آقای مغیر و مخبر میگویند یا باید عقیده شخص خودشان را بگویند در مقام نمایندگی یا عقیده آن کمیسیون را بگویند که مغیر او هستند و حالا بنده توضیح میخواهم که آیا این توضیح که در مقابل سؤال آن نماینده دادند که این امتیاز و انحصار است عقیده کمیسیون بود یا اینکه عقیده شخص خودشان را اظهار نمودند و توضیح میخواهم که این اجازه است با امتیاز و اختصاص و اگر امتیاز و اختصاص است عقیده کمیسیون است یا عقیده شخص خودشان تا اینکه مادر رأی تکلیف خودمان را بدانیم.

دکتر اسمعیل خان

توضیحی که آقای مغیر دادند از باب اجازه و امتیاز گمانم این است اگر وقت بفرمائید یکی است و اجازه یا امتیاز بودن در این موضوع تاریخی ندارد بجهت اینکه از جانب دولت اجازه داده میشود باین کمیانی که از اوشان بطهران و از تهران بکهریزک سیم نقاله بکشد و اگر امتیاز نباشد کمیانی نمیتواند این کار را بکند برای اینکه از برای این مسئله میبائی پول لازم است و دولت از برای اینکه این کمیانی را ترویج و تشویق بکند نباید یکی دیگر بگوید شاه مجاز هستد در این خط سیم بکشد و تا این مسئله اینجا معین و معلوم نشود کمیانی متقاعد مطمئن نباشد این کار را نمیتواند زیرا که باید یک سرمایه عده را در خطر بیندازد و اگر شما اجازه بدهید یعنی بگویند شما مختارید از که هر یک سیم بکشید با اوشان و از اوشان بلار فردا کس دیگر با شرکت دیگری نمیتواند بیاید این کمیانی را خراب کند و یک اجازه بگیرد در این خطوط سیم کشی بکند و در اینصورت بهیچوجه نمیتواند یک همچو سرمایه را بخطر بیندازد گمان میکنم که مقصود آقای مغیر هم که فرمودند امتیاز است اینستکه هلا این امتیاز خواهد بود دولت باین شرکت امتیاز اینرا میدهد که از اوشان بطهران و از طهران به کهریزک این سیم نقاله را بکشد و دیگری در اینند در این خطوط اگر سیم نقاله بخواهد بکشد دولت این اجازه را باو نمیدهد ولی در سایر خطوط میتواند ببرد شرکتی که بخواهد این امتیاز را بدهد و گمان میکنم که اجازه و امتیاز در اینجا چندان فرقی نداشته باشد خوب است لفظ اجازه بر داشته شده بجای آن امتیاز نوشته شود که هم شرکت فایده از سرمایه خودش ببرد و هم فایده معنی داشته باشد و الا اگر این کمیانی مطمئن نشود از طرف دولت یک سرمایه بزرگی را بخطر نمایاند از برای اینکه بلکه دولت یک اجازه دیگری در نزد یکی اینجا بخواهد دیگری بدهد و آنوقت اینجا خراب میشوند پس گمان میکنم که خوب است آقایان این را تصویب بکنند و بواسطه این کمیانی دیگر را تفویض بکنند و این یکی (مونو یل) و انحصار نیست که آقای میرزا یانس فرمودند بلکه فقط در این خطوط دولت باین شرکت امتیاز کشیدن سیم رامیدهد و اگر در نقطه دیگری که فرح زاد باجای دیگری باشد هر کس بخواهد از برای اینکه ذغال سنگ ارزان تر بیاورد بطهران این بهیچوجه منافی با آن نیست که آن بتواند آن اجازه را بگیرد و الا گمان میکنم که اگر شکل دیگر باشد کمیانی نتواند قبول بکند.

حاج آقا - بنده اول ماده اجازه گرفتن و نوبت ترسید و اینجا هم عرض میکنم که بکل مخالف لفظ امتیاز هستم و از قراری هم که گفته شد بعضی اعضاء کمیسیون هم ذکر کردند خود این شرکت هم امتیاز نخواستند فقط یک اجازه خواسته است و آقایان تصدیق دارند بنده با وجود یک همچو مطلبی که خود خواهند این امتیازی نخواستند و اجازه خواسته است بجهت کشیدن یک سیم نقاله تعجب میکنم که چگونه آقای مغیر مدافعه میکنند و ادعای صلاحیت لفظ امتیاز را میکنند عنوان آنرا تشویق تجارت قرار میدهند بنده بکلی مخالف لفظ امتیاز هستم و اینستکه فرمودند که این یک معنی امتیاز است و یک معنی اجازه است فلسفه این تغییر را نتوانستم بفهم بواسطه اینکه بیان مطلب را که کردند فرمودند در آن خط انحصار است اگر مرادشان در آن خطی است که سیم کشیده شده و مقصود آن مکانی است که پایه های سیم گذاشته میشود البته این مسلم است که در یک مکان در یک چیز دو سیم کشیده نمی شود اگر مرادشان این است که ده زرع پهلوی او نمیتواند سیم بکشند گمانم این است که ابتدا همچو چیزی نیست و این معنی انحصار و امتیاز است و باید اثر است اینرا نخواستند است و کسانی که جزو شرکت هستند خودشان این معناراً نمیکند بر فرض هم که خواسته باشند بنده نمیتوانم رأی بدهم که یک چنین امتیازی پنجاه ساله داده شود بجهت اینکه لفظ نظر شرکت که این اجازه را خواسته است فقط برای حمل و نقل ذغال سنگ و چغندر و مصارف کارخانه و منافع ثانوی شرکت است و بنده نمیدانم بجهت ما امروز مقدرات این پنجاه سال بعد را پیش بینی میکنم و میگویم که چون ممکن است یک کسی بیاید کار شرکت را رها کند پس دولت هم این انحصار را باید باو بدهد در صورتیکه بنده اگر یک وزارت فوائد عامه را تصور بکنم در این مملکت که نظر داشته باشد به تجارت و صنعت نمیتوانم تصور بکنم که به بند یک اجازه مضر است بحال یک شرکتی و آن اجازه را بدهد بنده یک همچو مطلبی را نمیتوانم تصور بکنم ولی اگر یک شرکت دیگری بخواهد یک سیم نقاله پهلوی این سیم دایر بکند و از آن سیم و استفاده بکند از آن کمیانی و دولت و مت و هیچ ضرر هم بحال این کمیانی هم نداشته باشد چطور میشود تصویب نکرد که ما از حالا جلوگیری بکنیم و بگوئیم که این ضرر کمیانی است و این باید یک انحصار مخصوص باشد برای کمیانی چرا که ما مقدرات پنجاه ساله میخواهیم پیش بینی بکنیم بنده موافق همین چیزیکه خود شرکت خواسته است که اجازه است و امتیاز نیست بهمان افطی که اینجا نوشته شد است نمی توانم تصدیق بکنم بجهت اینکه این سیم نقاله را وقتیکه این شرکت دائر کرد البته بعد از این دولت هر چه راجع باین حدود باشد و بخواهد بکسی دیگر بدهد البته ملاحظه میکنم که یک همچو شرکت داخلی ضرر وارد نیاید برای اینکه دولت که بخواهد ضرر آنها وارد بیاورد والا اگر به لفظ امتیاز باشد بنده منمایش را همان (د و نوبل) میدانم همان طوریکه آقای دکتر اسمعیل خان فرمودند بجهت اینکه فرق نیست بین انحصار و امتیاز و معنی امتیاز همان (مونو یل) است.

دارم لازم است توضیح بدهم که ذغال سنک این شهر فقط در لار است يك يا دو نقطه ديگر هست كه يكي در فرح زاد است كه ميگويند كشف شده است و ذغالش هنوز قابل استعمال نيست يك معدن ديگر هم در طرف فشنه كه مركز آنها لار است و بيشتر اين ذغالی كه وارد تهران بايد بشود از هين خط لار است در اينصورت بايد بدانيم كه تمام ذغال سنك تهران را در تحت اين ماده بيمت معين فرار ميسهيم كه هيچوقت آرزو نداشته باشيم كمتر از سه تومان و پنجاه هزار بخريم و شايد بيشتر هم بخريم در صورتيكه اگر آن لفظ امتياز برداشته شود و اجازه نوشته شود شايد يك كمپاني ديگري پيدا شود كه سيمي بكشد در تهران اميدواري ميسهيم با آن مدهاي بزرگي كه بنده خودم شخصاً دیده‌ام و ميدانم كه رگهاي خيلي قريب خوبي دارد بتوانم ذغال را در اين تهران خرواري پانزده قران بكار خوبي و بكار سهولت وارد كنيم ليكن شرطش اينست كه بزودي اينكار بشود و تصور ميكنم هيمنقدر مساعدتي كه شده است كافي خواهد بود كه بتواند تمام ذغال آنطرف را با كمال آزادي شهر حمل بكنند .

افتخار الواعظين - با اين ترتيبه كه آقاي معذل الدوله گفتند و حساب كردند فرمودند كه اين هر خرواري پنجاه هزار فقط اجرت استخراج دارد كه بعد از كشيدين اين سيم سي هزار خوراك خوراك اين شهر است و قيمتش فلان قدر و در سالي نود هزار تومان نفع دارد و در آخر فرمودند صافترين ما خواهيم رسيد بجايي كه خوراك پانزده هزار بخريم ذغال را بنده نهميدم آن خوراك پانزده هزار را با چه حمل خواهند كرد كه خرواري پانزده هزار خواهد شد اين شركت از آن محمولات ديگر كه حمل ميكنند ذغال را كه جلوكيري نخواهد كرد اگر ديگري بياورد و خرواري پانزده هزار بفرشد اين شركت نخواهد گفت چون من قرار داده‌ام سه تومان ونيم بفرشم شامق نداريد بياوريد خرواري پانزده هزار بفروشيد خير چنين چيزي نيست و اين يك قيمت استخراج دارد ويك مبلغ هم بايد بدهد از سر معدن تا بركز كه اوشان باشد كه با مال يا گاري حمل شود بعد در سال خود اين كمپاني و اين سيم شش هزار تومان مصارف و مخارج اجزاء دارد و در سالي هم بايد يك مبلغ از منافع و سرمايه شركت استهلاك شود كه در آخر پنجاه سال بتواند بدولت واگذار كند از فراريكه در كميسيون مذاكره شد و معاون وزارت فوائد عامه هم حضور داشتند از قراري كه بتجقيق حساب كرده اند خرواري سه تومان يا مخارج و مصارف از براي كمپاني در او ايل امر خرج بر ميبارد و خرواري پنجاه هزار براي شركت فائده منظور شده در حاليكه تمام مالياتهاي دولتي را هم بايد بدهد و بدهم گمان نفرمائيد كه اين سه تومان و پنجاه هزار معين است بدون كم و زياد خير اين حد اكثر است يعني بيش از اين نيتواند بفرشد اما اگر چنانچه سيم نقاله را امتداد دادند و باندازه خوراك كارخانه در يك ماه ذغال حمل شد و در پانزده ماه ديگر ذغال بشهر حمل نمود و ديگران هم آوردند و بالطبع ارزان شد آن وقت كمپاني نديگري كه من بايد سه تومان و پنجاه هزار بفروشم خير

رئيس - در اينماده مذاكره كافي است گفتند كافي است .

رئيس - ۶ فقره پيشهاد شده است قرائت ميشود (۱) طرف آقا ميرزا ابراهيم خان بعبارت ذيل قرائت شد بنده پيشهاد ميكنم ماده ۶ لايحه شركت سيم نقاله باين طريق نوشته شود .

ماده ۶ - نرخ ذغال سنك همه ساله در اول ميزان موافقت وزارت فوائد عامه با اداره شركت تعيين خواهد شد (از طرف آقاي حاج آقا بعبارت ذيل قرائت شد بنده پيشهاد ميكنم كه ماده ۶ اين طور نوشته شود شركت مزبور نسايد ذغال را از هادله زياد تر بفروشد و در مواقي كه در قيمت هادله اختلافي پيدا شود تعيين با وزارت فوائد عامه است .

آقا ميرزا ابراهيم خان - بنده حفظه منافع اين شركت را بر هر كس لازم ميدانم كه ايقان او را بخواهيم و چو بنده ميخواهم كه از عهده تعهدات خودش بر آيد راضي نيستم كه بيش از وقت تعيين قيمت بكنند زيرا اتفاقات روزگار را كسي نميداند كه چه پيش ميآيد انست كه بنده پيشهاد ميكنم كه همه ساله يك موقعي معين شود كه بتواند با وزارت فوائد عامه تعيين قيمت بنمايد نه اينكه ما پيش از وقت يك نرخی را براي مال ديگري معين كنيم كه اسباب زحمت شود .

رئيس - كميسيون اين پيشهاد را قبول دارد **افتخار الواعظين** - اين مذاكره در كميسيون شد و كميسيون بعد از مذاكرات زراي داده است و ميتواند قبول بكنند .

دكتور اسمعيل خان - اينجا يك نكته بسيار مهمي آقاي معين الرهايا اظهار كردند گمان ميكنم آقا باين توجهي فرمودند كه از اين قبيل كار هاي بزرگ سايرين كرده اند بيش برده اند و خوبست وقتيكه ميخواهد يكي از تيمه خودش تاسيس يك كارخانه بكنند باو قبل از وقت قرار ميگنارند كه در سال بيست هزار تومان سي هزار تومان تا پنج سال ده سال باو مساعدت كند كميسيون هم در اين

موقع خواست يك مساعدتي با اين شركت بكنند و ديدي بگفوي سخت است كه اين طور مساعدتهاي بزرگ را بكنند اين بود كه خواست يك مساعدت غير مستقيم بكنند كه دولت و كميسيون نهميده باشد كه ذغال با سيم نقاله آوردن در اين شهر ارزان تر نشود بله ارزان تر ميشود با سيم نقاله وارد كرده گفتند ما اين مساعدت غير مستقيم را باشما ميكنيم و آن مساعدت اين بود كه قيمت ذغال شما تازه سه ساله تومان ونيم خواهد بود چون مساعدت پولی نتوانستيم باشما بكنيم و پس از ده سال باختيار خودم باشانده كه به بينم اوضاع امور محلي چيست ترفي و تنزل را بهمم آنوقت تعيين قيمت بكنيم و كمپاني مجبور است كه از اين قيمت بالاتر بفروشد مگر يك كمپاني ديگر آمد ويك سيمي كشيده از نقطه ديگر براي ذغال بظهران مثل اينكه منحصر نيست آن وقت كمپاني مجبور است براي ييشرفت تجارت خودش ارزان تر بفروشد و گمان ميكنم و هيچ ترديدي نداشت باشد ولي در جزئيات كه داخل ميشويم قدری اشكال تراشي ميشود (بيش نهاد آقاي حاج آقا مجدداً قرائت شد)

حاج آقا - بنده اين پيشهادي را كه كردم تصور ميكنم كه در اين هم ملاحظه حال ملت بنده هم ملاحظه حال كمپاني بواسطه اينكه ما نيتوانيم مساعدت غير مستقيم بشركت آنوقت عموم بدهند يعني يك ماليات غير مستقیمی بگناريم دولت اگر مي خواهد مساعدت بكنه خودش ميداند اين نوع مساعدت را بنده منطقي نمي دانم ولي هيمن طور كه بنده پيشهاد كرده‌ام نرخ اجناس در هر موقع يك نرخ معيني دارد اين نرخ اگر معلوم و معين باشد شركت همان طور بفروشد ديگران اگر سه تومان ونيم است كه بفروشد اگر كمتر است كمتر اگر زيادتر است زياد فرق نيكند و اينكه فرمودند امروز ذغال هفت تومان است ياد مياورند كه دو سال قبل ۲۰ قران بود فرض هر جور و هر مقدار عمومي بود شركت بفروشد اگر اختلافي پيدا شد در نرخ آن وقت وزارت فوائد عامه يك نرخی را معين كند كه در آن موقع بفروشد

رئيس - رأي مي گيريم به پيشهاد آقاي حاج آقا آقاياني كه مقابل توجه ميدانند قيام نمايند (كسي قيام نكرد)

رئيس - قابل توجه نشد رأي ميگيريم باصل ماده ۶ آقايانيكه تصويب ميكنند قيام نمايند (اغلب قيام نمودند)

رئيس - با كترت تصويب شد يك ربع نفق است . (در اينموقع نفق شد بعد از نفق مجدداً مجلس تشكيل شد و ماده هفت بعبارت ذيل قرائت شد .

ماده ۷ - اين شركت مجاز است علاوه ذغال هر گونه اجناس حتى نفوس را با سيم نقاله نقالي كه سيم كشيده ميشود حمل و نقل بنمايد و از كليه عايدات مطابق دفاتر شركت ده يك بدولت خواهد پرداخت .

افتخار الواعظين - بجاي كلمه نفوس مسافر نوشته شود **هشترودي** - بنده اصلاحي است پيشهاد

مي كنم و بعهده بنده چون اصلاح است خوب است مقرر هم قبول بكنند و اما توضيحش را عرض كنم بنده اين ماده را اينطور پيشهاد كردم و شركت مجاز است علاوه از ذغال سنك اجناس ديگر و نفوس ديگر اين لفظ حتى را نسيخواهد زيرا جاش اينجا نيست و جمله با سيم نقاله حمل و نقل بايد از نقطه بنقطه كه سيم كشيده لازم نيست ناچار شركت با سيم نقاله حمل و نقل بنمايد و با آنجا نهم كه سيم كشيده است ميرد پيشهاد بنده اينست كه شركت علاوه ذغال اجناس ديگر و نفوس را حمل و نقل نمايد الي آخر ماده .

لواء الدوله - عرض كنم ما بايد باين شركت و شركه يك اميدواري بدهيم كه بعدها تجارت داخله وقت بكنند و بيايند پولهاي خودشان را بصرف كارخانهجات بيندازند و نه مثل سابق كه بدون ملاحظه وزراء حالا كه مشروطه شده است فرض نميشود باندازه محدود بكنيم كه بترسند و بيش نيايند اما در خصوص اينكه شركت مجاز است حتى نفوس اين يك اندازه بنظر بنده مربوط نيست اشخاص بهتر است .

رئيس - پس شما كه مخالف بوديد **لواء الدوله** - يك كلمه بيشتر نبود .

رئيس - اين براي مخالفت پس است .

آقا ميرزا يانس - بعضي مواد است كه در او اجازه نوشته شده است ولي منظور نويسته گمان ميكنم كه انحصار است يكي از آنماده ۶ بود كه گذشت و بنده فرصت نكردم هرايش خودم را آنجا بكنم يكي هم معين ماده هفتم است كه نوشته شده است از كليه عايدات شركت ده يك بايد بدولت بدهد و اين از آن نظر گويي كه اين امتياز باشد در صورتی كه مجلس تصويب بكنند آنوقت گمان نميكنم كه دولت حق گرفتن اين وجه را از شركت داشته باشد و بنده ميخواستم اين پيشهاد را براي اطلاع خاطر نمايندگان عرض كنم اگر اين مسئله را منظور فاريده كه اجازه نامه باشد اين وجه را نبايد گرفت و اگر مقصود امتياز است كه اين وجه كم است .

حاج آقا - بنده با وجود اينكه اين شركت اجازه گرفته است و اجازه ميدانم و اجازه تصويب ميكنم معذرا منافي نميدانم كه اين ده يك از عايدات بدولت داده شود بوسيله اينكه با منضمات اجازه هيچ منافاتي نمي بينم بواسطه اينكه اگر ما كميته كابين سيم نقاله ماليات ميسهيم هيچ منافاتي نمي بينم اين معني را بواسطه اينكه اگر به بينيم كه دولت اجازه كشيدين اين سيم نقاله را داده است و ضمناً البته دولت اين اجازه را داده است كه اسباب تسهيل كارخانه باشد از حيث ذغال و چيزهائي كه لوازم اين كارخانه است كه سهولت براي شركت فراهم ميآيد و در آن منافع خارجي البته دولت حق اين را دارد كه بعد از همه آن مساعدت ده يك را بگيرد و منافاتي هم ندارد و بنده از اين جهت اين ماده را با آن لفظ اجازه كه نوشته است منافي نميدانم و صحيح است .

آقا محمد - بنده در اساس اين ماده مخالفتي ندارم بته براي مجلس شوراي ملي است نهايت در خود اين ماده يك نوع تناقض هست او را عرض ميكنم كترت شود در ماده چهارم ميگويد هر مقدار ذغال براي مصرف كارخانه و اداره قند سازي كه بزرگ

لازم باشد پس از تعيين وزارت فوائد عامه از هر گونه ماليات و عوارض دولتي در طرف مدت مزبور معاف است و اينجا هم ميگويد اين شركت مجاز است علاوه ذغال سنك هر گونه اجناس حتى نفوس (و آن كيبفتي هم كه آقاي هشترودي فرمودند صحيح است) با سيم نقاله حمل و نقل بكنند و از كليه عايدات ده يك بدولت خواهد داد چون اسم ذغال را آنجا نبرده است و معين كرده است و از براي مصارف كارخانه است اينجا متناقض ميشود بنده اين طور عرض ميكنم و پيشهاد ميكنم از كليه عايدات باستثناء آنچه در ماده ۴ نوشته شده است مطابق دفاتر شركت بدولت خواهد داد .

افتخار الواعظين - اولاً باقاي حاجي آقا عرض ميكنم كه اين اجازه نيست امتياز است و اگر اجازه باشد كمپاني حاضر نيست براي كشيدين سيم نقاله وقتي حاضر است كه امتياز باشد و اما به آقاي آقا محمد عرض ميكنم اينجا سه ماده است و در هر يك يك مطلب حليعه قيد شده است در ماده ۴ ميگويد هر مقدار ذغال از براي مصرف كارخانه قند سازي حمل شود آن از ماليات معاف خواهد بود ماده ۵ ميگويد كه اين شركت هر قدر ذغال براي فروش شهر حمل بنمايند او از مالياتي كه امروز هست و بعد از اين مجلس شوراي ملي وضع بكنند شركت خواهد داشت يعني بايد مثل سايرين كار سازي نمايند و اين ماده هم ميگويد كه اين كمپاني حق دارد كه ساير اجناس و مسافر هم حمل بكنند و از ساير اجناس و مسافر هر نوع عايداتي كه حاصل نموده بدهد يك او را مطابق دفاتر بدولت بيردازد اينجا هيچ راجع بنفاله سنك نيست و از ساير اجناس است .

رئيس - در اين ماده گويي مذاكرات كافيست دو فقره اصلاح پيشهاد شده است قرائت ميشود (از طرف هشترودي بعبارت ذيل قرائت شد) بنده پيشهاد ميكنم كه ماده ۷ چنين اصلاح بشود - شركت مجاز است علاوه ذغال سنك اجناس ديگر و نفوس را با سيم نقاله الي آخر .

افتخار الواعظين - بنده با تبديل لفظ نفوس بساير قبول دارم (از طرف آقا ميرزا يانس بعبارت ذيل قرائت شد) بنده پيشهاد ميكنم كه ماده ۷ چنين نوشته شود اين شركت مجاز است علاوه ذغال هر گونه اجناس و نفوس را با سيم نقاله حمل و نقل نمايد **رئيس** - توضيحي اگر داريد بفرمائيد ؟

آقا ميرزا يانس - آقاي حاج آقا در جواب بنده فرمودند كه هيچ مخالفتي نبيبينم در اين ماده كه اين اجازه نامه باشد و ده يك از كليه عايدات او بدولت داده شود بنده عرض ميكنم كه اگر في الواقع اجازه است اين يك تحميل فوق العاده است كه بشركت ميشود كه ده يك بدولت بدهند در صورتيكه اجازه نامه باشد كه ديگري هم حق داشته باشد كه بگردد در آن خطيكه اين شركت هم كشيده است و بايد يك ضرر و مصارف فوق العاده در نظر داشت باشد براي اين كه يك شركت ديگري در مقابل او خواهد آمد و در اين صورت صحيح نيست كه از او چيزي دولت بگيرد يعني با آن همراهي كه مجلس باين جور كارها دارد مخالف است در صورتيكه امتياز است عرض كردم كه صدي ده كم است و اگر

مجلس في الواقع ميخواهد كه اين را امتياز نكند و اجازه باشد تصور ميكنم رأي دادن بپيشهاد بنده صواب باشد .

رئيس - رأي ميگيريم بپيشهاد آقا ميرزا يانس آقايانيكه قابل توجه مي دانند قيام نمايند (معدودي قيام كردند)

رئيس - قابل توجه نشد (پيشهاد حاج سيد ابراهيم بعبارت ذيل قرائت شد)

بنده پيشهاد ميكنم كه اين عبارت بعد از لفظ عايدات زياد شود كه از حمل و نقل اجناس و اشخاص هايد شركت ميشود الي آخر .

حاج سيد ابراهيم - بنده در آخر ماده نوشته ام بعد از لفظ كليه عايدات چون از اين عبارت چنين فهميده ميشود كه از مطلق عايدات و حال اينكه مراد از حاصل عايدات حمل و نقل غير از ذغال است توضيحاً اين را خواستم عرض كنم كه واضح باشد همانطور كه مقرر محترم فرمودند .

مخير - مقصود كميسيون هم هين بوده است **رئيس** - پس ماده هفتم با اين اصلاحات كه قبول شد قرائت ميشود (بعبارت ذيل قرائت شد)

ماده ۷ - شركت مجاز است علاوه ذغال سنك اجناس ديگر و مسافر را با سيم نقاله حمل و نقل نمايد و نيز از كليه عايدات كه از حمل و نقل اجناس عايد شركت ميشود مطابق دفاتر شركت ده يك بايد بدولت پرداخته شود .

رئيس - رأي ميگيريم بماده ۷ كه قرائت شد آقاياني كه تصويب ميكنند قيام نمايند (اغلب قيام نمودند)

رئيس - با كترت تصويب شد ماده ۸ قرائت ميشود (بعبارت ذيل قرائت شد)

ماده ۸ - هر گونه لوازم سيم نقاله و لوازم استخراج ذغال از معدن راجع باين امتياز از خارجه وارد بشود با اطلاع وزارت فوائد عامه از حقوق گمركي معاف خواهد بود .

حاج و كيل الرعايا - البته آقايان در نظر دارند كه مخالفت بنده براي اينست كه دولت يك مراعات ديگري بعد از آنكه در اينجا هر چه كرده است باز بكنند مخالفت بنده در اينجا فقط براي اينست كه نسيخواهم گمرك دولت براي اين جور چيزها دفاتر تباني بشود بنده خيلي حاضر ترم كه دولت در يكي از اين مواد جاي بدهد يك چيز ديگري بقدر يول گمرك از لوازمات سيم كشي تا اينكه آن چيزيكه تقريباً گمرك كمي دارد ميشود معاف كنيم حتى چيزهائيكه مخصوص دولت است كه از خارج وارد ميشود بنده عقيده ام اينست كه دولت گمرك را در سرحد بدهد ولو اينكه دوباره در مرز كزيس بگيرد و اگر هم دولت بخواهد تعقيفي بدهد و واقع ضرر بدهد و اكثرت مملكت لازم بدانند باز بنده لازم مي دانم كه اين گمرك را در محل خودش بيردازند كه گمرك با حاكم مجاني چيزي را از سرحد بي گمرك نكندارند حالا آقايان بسنجند و ببينند اگر بنده در عرض خودم معاف كه تصويب كنند و اين يك ضرر زيادي را براي كمپاني ندارد زيرا آنجا خيلي مراعات باو شده است شما باحوال امروزه مملكت نگاه بكنيد و ده سال ديگر خواهيد ديد كه چقدر ملاحظه از اين شركت شده كه امروز نيتوانم معين بكنم بعد معلوم خواهد شد و بنده خواهش ميكنم

عجالتاً این مرض بنده را قبول فرمائید که گمرک بنائی نشود و محش این باشد که پول بگیرد و مال هر کس است آنوقت عبور بدهد.

لوعالدوله - مرض کنم این اشیا که وارد میشود محتاج الیه عامه نیست که در گمرک صرفه داشته باشد و ما بنییم اینجا ضرر دارد و اینکار خانه است و کارخانه آبادی مملکت است و چندین مرتبه در جلسات خود آقای حجاج و کبیل الزهیا تصدیق کردند که باید در این چنین کار هاهمراهی بشود حالا دیگر نمیدانم چه شده است که برخلاف رای سابقشان اظهار میکنند اینرا هم کار نندارم حالا این یک شرکتی است مال ایرانیها و اواز یک نفر است که آقای ارباب کیخسرو که بانهم کار نندارم و مجاز گوئی نمیکنم درحقیقت روی ما ایرانیها را سفید کرده است ما این شرکت را تشویق میکنیم و این بیچاره بچه حال خودش بیاید اینجا وجه بدهد و ضرر خودش را چیران کند با آن خبرهاییکه بعدها در پیش دارد که بنده بواسطه بعضی مطالب پلنتیکی نمی توانم اینجا عرض بکنم خوب است آقایان یک اندازه توجه داشته باشند و تشویق بکنند تجار داخله را باین واسطه تشویق و مساعدت دوست و سبب کارخانه در این مملکت دائر بشود.

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

آقای میرزا یانس - بنده اصلاح عبارتی دارم اینجا نوشته شده است که امتیاز مسئله امتیاز بکمسیون رفته است شاید این بگذرد و منافات دارد **افتخار الواعظین** - بنده مکرر در مکرر عرض کردم که این امتیاز است نه اجازه و آن ماده هم که رفته است بکمسیون شرکت غیر از امتیاز باشد قبول نمی کند.

رئیس - چون این مسئله قابل توجه شده است حالا بلاحظه اینکه کمیانی قبول میکنند یا نمیکنند برانتهی توان رای گرفت بر میگرد بکمسیون تا تکلیف این مسئله معین شود ماده ۹ قرائت میشود (ماده ۹ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - دولت علیه در هر مورد کمال مساعدت را در کایه امور راجعه بشرکت خواهد نمود.

دکتر علیخان - مخالفت بنده از این نظر است که بنده درست معنی این ماده را نمی فهمم بجهت اینکه دولت یک وظایفی دارد که همیشه بآن وظایف عمل خواهد کرد در این صورت مساعدت یعنی چه اگر مقصود اینستکه بعضی تعقیفات دولت بشرکت خواهد داد گمان اینست که دولت غیر از این مساعدتها هائیکه اینجا قید شده است نتواند بکند و گمان نمیکنم مجاز باشد مساعدت دیگری بکند اگر شرکت هم تقاضا کند تخفیفی را گمان نمیکنم دولت بتواند بشخصه تخفیفی بدهد پس بنده موضوع این ماده را درست ملتفت نشدم و بنده تصور مساعدت دیگری را نمی توانم بکنم و گمان میکنم این ماده موضوع نداشته باشد.

افتخار الواعظین - ملت و ملت گذاردن این ماده را عرض کنم که آقای دکتر بدانند مراد از این مساعدت چیست مراد از این مساعدت نه این استکه دولت تخفیف یا مساعدت دیگری زیاده از

بفهماند پس از انتفاض مدت اجازه ملك دولت است نه اینکه ملك اواست و در اراضی دائره دولتی هم همین عقیده را دارم که در اراضی دائره است دولت مراعات حال کمیانی را بکند و بکمیانی بفروشد ولی مشروط باینکه پس از انتفاض مدت اجازه کمیانی بدولت واگذار کند.

افتخار الواعظین - مقصود آقای هشترودی که در ماده سیزده هست و بنویسد بعد از انتفاض مدت این امتیاز خط سیم مزبور بهر نقطه که کشیده باشد با تمام متعلقات آن مجاناً به دولت علیه واگذار میشود.

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای هشترودی آقایان باینکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای آقا محمد در پیشنهاد خودتان توضیحی دارید بدهید؟

آقا محمد - پیشنهادی که بنده کردم یک قدری تطویل را کم کردم در ماده ها و مطلب هم همان است منتهی حکم انبار و محل منجیات را که در اراضی شخصی چه قسم باشد بنده معین کرده ام و اینکه آقای مخیر بیان کردند و شرکت مرکز در اراضی دائره نیسازد در این مقام حکمی در دست او نیست میشود که اقتضای بکند در املاک دائره بسازد و آن بسته است باقتضای کارش بجهت اینکه ممکن است محتاج شود و جائیکه عمارت است بفرد و محل پایه و انبار بسازد و هیچ مخالفتی هم در انجهات دیگری که در سایر آن مواد است ندارد اینهم که بفرمائید اجزاء شرکت گفته اند که نمی سازد این را بنده عرض میکنم خود اعضاء شرکت هم نمیدانند که محتاج میشوند و میسازند یا غیر این ماده هم باینطور خالی از مغالطت با قوانین شرعیه نیست.

رئیس - آقای مخیر قبول کردند که باضافه رضای مالک نوشته شود شما حالا هم در پیشنهاد خودتان باقی هستی یا مسترد میدارید.

آقا محمد - رای گرفته شود.

رئیس - مجدداً پیشنهاد آقای آقا محمد خوانده میشود (پیشنهاد آقا محمد مجدداً قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان باینکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح حاج آقا قرائت میشود (مجدداً اصلاح حاج آقا خوانده شد).

حاج آقا - مطلب همانست و آن عبارت واضعتر است.

رئیس - اصلاح آقای مدرس خوانده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که آخر ماده ده چنین نوشته شود در اراضی دائره دولتی شرکت بقیعت عاده خواهد پرداخت و در اراضی شخصی بتراضی قیمت را خواهد پرداخت.

افتخار الواعظین - صحیح است بنده قبول کردم که استرضای مالک نوشته شد.

رئیس - پس رای میگیریم بنده دهم با آن لفظی که آقای مخیر قبول کردند حالا رای میگیریم بنده دهم موافق اصلاحات پیشنهادی آقایان مدرس

و حاج آقا آقایان باینکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده یازدهم (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ - هر نقطه از نقاط که خط سیم نقاله واقع شود و شرکت بخواهد در آن محل انبار بنا جای عملیات بنا نماید در صورتیکه در اراضی باثره دولت واقع شود شرکت بدون ادای هیچ وجهی باتمیین وزارت فوائد عامه مقدار اراضی لازمه را مجاز است تصرف نماید

حاج آقا - بنده فقط یک جمله در آخر ماده لازم میدانم العاقب که حکم اراضی دائره حکم اراضی است که در ماده قبل معین شده است.

معین الرعایا - عرض کنم بنده کلیه خیلی افسوس میخورم که بعضی مغالطت یعنی آقایان در این مورد میکنند و یک مطلبی هم آقای لواء الدوله گفتند که یکی از شرکاء ارباب کیخسرو است عرض میکنم این شخصی نیست ارباب و غیر ارباب مساوی است یک شرکت سهامی است که عموم ملت میتواند در آن شرکت نمایند و آن که آقای حاج آقا گفتند از این ماده بدست میآید و ابداً میانیت ندارد منتهی در اراضی دائره شخصی میتواند با تراضی طرفین در آن ملک بنائی میکنند مثل آن که در ماده قبل ذکر شد.

حاج سید ابراهیم - آن لفظ بخواهد خوبست تبدیل شود باین جمله در صورتیکه برای شرکت لازم باشد.

رئیس - مذاکرات کافی است اصلاحی از طرف آقای لواء الدوله شده قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این جمله از آخر ماده ۱۱ اضافه شود هر گاه در اراضی غیر دولت واقع شود شرکاء باید مطابق ماده دهم رفتار نمایند

افتخار الواعظین - وقتیکه بنیاشد از برای نصب پایه ها در اراضی شخصی قیمت بدهد از برای ساختن انبار بطریق اولی باید قیمت بدهد مفاد آن پیشنهاد در خود ماده است.

لواء الدوله - لزوم این اصلاح خیلی واضح و محسوس است.

رئیس - رای میگیریم در اصلاح لواء الدوله آقایان باینکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (یکی دونفر قیام کردند)

رئیس - رد شد اصلاح آقا میرزا ابراهیم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) این بنده پیشنهاد میکنم ماده یازدهم باین طریق نوشته و اصلاح میشود

ماده ۱۱ - در امتداد سیم نقاله در هر جائیکه شرکت بخواهد محل انبار و مسکن عمل و کارگر بنا نماید هر گاه در اراضی بایره دولتی واقع شود مقدار زمین لازم از طرف دولت داده خواهد شد.

افتخار الواعظین - بنده قبول میکنم.

رئیس - ماده ۱۱ با اصلاح آقا میرزا ابراهیم خان قرائت میشود (مجدداً ماده یازدهم با اصلاح آقا میرزا ابراهیم خان قرائت شد)

افتخار الواعظین - لفظ دولت برداشته شود قبول کند.

و نوشته شود از طرف وزارت فوائد عامه اعطاء خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۲ خوانده میشود شما ماده ۱۱ را بنویسید.

ماده ۱۲ - شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را کلاً یا جزئاً بنحوی از انحاء بتبعه خارجه انتقال دهد مگر با اجازه دولت.

حاج شیخ اسدالله - مگر با اجازه دولت اگر چه دولت هم شامل مجلس شورای ملی و هیئت وزراء میشود ولی خوبست تصریح شود مگر با اجازه مجلس شورای ملی.

افتخار الواعظین - عرض می کنم لفظ دولت شامل مجلس شورای و هیئت وزراء است و البته اگر هیئت وزراء صلاح دانسته اند انتقال به تبعه خارجه را آنوقت بمجلس شورای ملی هم میآورند.

معامل الدوله - یک قسمت عرایض بنده را آقای حاج شیخ اسدالله کردند و باید تصریح شود با اجازه مجلس شورای ملی باشد یکی دیگر آن اینست که این شرکت یک جزء از امتیاز قندسازی است که به تبعه خارجه داده شده و باید قبلاً دانست که مناسبت این شرکت با قندسازی چیست شریک است با او یا جزه اوست با این امتیازی که میدهم با او عاید قندسازی هم خواهد شد یا غیر مختص بهمین شرکت است و یک شرکاء با اینخصوص خواهد داشت تا قبلاً این مسئله معلوم میشود گمان می کنم این ماده بکلی لغو خواهد بود بواسطه این که شاید یک اجاره میدهم بداخله در صورتیکه آن شرکت راجع بیک خارجه است.

رئیس - مذاکرات کافی است در فقره اصلاح از طرف آقای لسان العکماء و مشیر حضور شده است قرائت میشود

از طرف لسان العکماء - اصلاح ماده ۱۲ شرکاء مزبور حق ندارند که این امتیاز را کلاً یا جزئاً بنحوی از انحاء بتبعه خارجه انتقال دهند.

از طرف مشیر حضور - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ هوش جمله اجازه دولت نوشته شود با اجازه مجلس شورای ملی.

لسان العکماء - مسئله امتیاز چون پیشنهادی در آنخصوص شد و بکمسیون ارجاع شد راپورت کمسیون خواهد آمد هر طور آن اصلاح شد اینهم اصلاح خواهد شد اما مسئله ثانوی و گمان میکنم بهیچوجه جای این جمله آخر نیست البته هر وقت مقتضی شد دولت باز میآورد بمجلس که از مجلس بگذرد پس اینکه من پیشنهاد کرده ام این را گنجانید هم که شرکت حق ندارد جزئاً یا کلاً بتبعه خارجه واگذار نماید بنحوی از انحاء.

افتخار الواعظین - ما لازم دانستیم که شرکاء نوشته شود بجهت اینکه یک شرکاء مؤسس این شرکت دارد یک شرکاء غیر مؤسس و ما هنوز نمیدانیم شرکاء کیه هستند باینجهت اینکه مرقوم فرموده اند شرکاء مزبور در صورتیکه ما بدانیم شرکاء کیه هستند لهذا ما در کمسیون باینلاحظه که شاید شرکت بخواهد دونفر از تبعه خارجه را در این شرکت داخل کند بجهت استفاده از آنها بدون اطلاع دولت نباشد و کمسیون آن پیشنهاد آقای لسان العکماء را نمیتواند قبول کند.

ماده ۱۲ - شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را کلاً یا جزئاً بنحوی از انحاء بتبعه خارجه انتقال دهد.

از طرف مشیر حضور - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ هوش جمله اجازه دولت نوشته شود با اجازه مجلس شورای ملی.

لسان العکماء - مسئله امتیاز چون پیشنهادی در آنخصوص شد و بکمسیون ارجاع شد راپورت کمسیون خواهد آمد هر طور آن اصلاح شد اینهم اصلاح خواهد شد اما مسئله ثانوی و گمان میکنم بهیچوجه جای این جمله آخر نیست البته هر وقت مقتضی شد دولت باز میآورد بمجلس که از مجلس بگذرد پس اینکه من پیشنهاد کرده ام این را گنجانید هم که شرکت حق ندارد جزئاً یا کلاً بتبعه خارجه واگذار نماید بنحوی از انحاء.

افتخار الواعظین - ما لازم دانستیم که شرکاء نوشته شود بجهت اینکه یک شرکاء مؤسس این شرکت دارد یک شرکاء غیر مؤسس و ما هنوز نمیدانیم شرکاء کیه هستند باینجهت اینکه مرقوم فرموده اند شرکاء مزبور در صورتیکه ما بدانیم شرکاء کیه هستند لهذا ما در کمسیون باینلاحظه که شاید شرکت بخواهد دونفر از تبعه خارجه را در این شرکت داخل کند بجهت استفاده از آنها بدون اطلاع دولت نباشد و کمسیون آن پیشنهاد آقای لسان العکماء را نمیتواند قبول کند.

از طرف مشیر حضور - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ هوش جمله اجازه دولت نوشته شود با اجازه مجلس شورای ملی.

لسان العکماء - مسئله امتیاز چون پیشنهادی در آنخصوص شد و بکمسیون ارجاع شد راپورت کمسیون خواهد آمد هر طور آن اصلاح شد اینهم اصلاح خواهد شد اما مسئله ثانوی و گمان میکنم بهیچوجه جای این جمله آخر نیست البته هر وقت مقتضی شد دولت باز میآورد بمجلس که از مجلس بگذرد پس اینکه من پیشنهاد کرده ام این را گنجانید هم که شرکت حق ندارد جزئاً یا کلاً بتبعه خارجه واگذار نماید بنحوی از انحاء.

مشر حضور - بنده تصور میکنم نکته این مسئله خیلی اهمیت دارد و اگر چنانچه این حکمیانی بخواهد منتقل به خارج کند حتماً باید به اجازه مجلس باشد.

رئیس - مذاکرات کافی است حالارای میگیریم و اول باید در پیشنهاد مشیر حضور که اجازه شورای ملی را پیشنهاد کرده رای بگیریم.

حاج آقا - نیشودر ای گرفت.

رئیس - چنانشودر ای گرفت.

حاج آقا - بجهت اینکه موضوع اینماده امتیاز است و آن بکمیسیون رجوع شده این باید بماند تا پس از راپورت کمیسیون.

رئیس - درالحاق این کلماتیکه آقای مشیر- حضور پیشنهاد کردهاند رای گرفته میشود آقایانیکه اصلاح آقای مشیرحضوررا قابل توجه میدانندقیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه شد بر میگردد بکمیسیون ماده سیزده خوانده میشود.

ماده ۱۳ - بعد از انقضاصمدت این خط مزبور هم بهترتعلقه که کشیده شده باشد با تمام تعلقات آن مجاناً بدولت واگذار میشود.

دکتر سعیدالاطباء - در صورتیکه با امتیاز رای داده شد و رفته است بکمیسیون گمان نمیکنم مذاکره در این ماده جای داشته باشد بجهت اینکه در صورتیکه امتیاز قبول شود گمان نمیکنم شرکت حاضر باشد که پس از مدت اجازه سیم و متعلقانشرای بدولت واگذار کند باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام که این ماده راجع شود بکمیسیون.

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم اکثریت مجلس هم نظری غیر از این نظر بنده نداشته باشند یا این سیم کشیرا تا پنجاه سال دیگر مانع تغییر نمی دانیم که فقط یک نفر سیم کشی بکند و تا پنجاه سال دست دیگران را ببندیم و خیلی انتظارهارا با آتیه این ملک داریم و گمان میکنم بعد از آنکه نظر مجلس تا یک اندازه معلوم شده است و قابل توجه شد و مانع للثیری راه تصور نمیکنم تصویب بکنند با وجود آن اینماده را لازم میدانم و پس از پنجاه سال تصور میکنم هر منفعتی که کرده است سکاکی است و باید پس از این مدت بدست مازک اولش بسپارد.

حاج شیخ عبداللّه - همان قسمیکه مذاکره شد و آقایان فرمودند این شرکت و این شرکاء باین ماده حاضر شدهاند در صورت امتیاز در صورتی که با امتیاز رای بدهیم و در صورتیکه با امتیاز رای نیدهیم رای میدهم که سیمده هزار تومان مال دولت باشد باید دید که طرف هم داخل است یا غیر خوبست اینهم بر گردد بکمیسیون.

رئیس - دو فقره پیشنهاد شده است خوانده می شود.

از طرف دکتر سعیدالاطباء - بنده تقاضا میکنم که ماده سیزده بر گردد بکمیسیون.

از طرف هشترودی - بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود با تمام تعلقات از زمین و غیره بدولت واگذار میشود.

رئیس - اول رای میگیریم در راجع بکمیسیون

آقایانیکه تصویب میکنند راجع بکمیسیون (۲ قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ اداری لفظ امتیاز است راجع بکمیسیون میشود ماده ۱۱ نوشته شده خوانده میشود (ببابت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - در نقطه از نقاط که خطه سیم تقاله واقع شود و شرکت بخواهد در آن عمل انبار راجع کارگران بنا نماید در صورتیکه در اراضی با بهره دولت واقع شود بدون ادای هیچ وجهی با تحبیب وزارت فوائد عامه دولت اراضی لازمه را بشرکت اصطلاح خواهد فرمود (افتخار الواصلین)

رئیس - رای میگیریم بماده ۱۱ بطوری که قرائت شد آقایانسی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد بقیه شور در این امتیاز میماند برای روز شنبه از مغرب خواهش دارم تاروز شنبه عصری راپورت بدهد لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است راجع بامتناد مدت امتیاز راه اهواز که با کمیانی پنج است رجوع میشود بکمیسیون

فوائد عامه دستور روز شنبه شور در بقیه لایحه راجع بشرکت قندسازی قانون اداری معارف اگر وقت شود - راپورت کمیسیون بودجه راجع به هشتاد و نه هزار تومان که از بودجه دربار برگشت کرده است یک فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع بورنه فتح الله خان مجاهد

ادب التجار - در باب این ماده طرح قانونی بنده سی و پنج ششتر تقاضا کرده بودند که راپورتش خوانده شود تقاضا میکنم حالا اگر وقت داشته باشیم رای گرفته شود.

سلیمان میرزا - در جلسه گذشته تقاضا کردم آن پیشنهادی که از طرف وزارت علوم شده بود در خصوص مضاری که برای اثابیه مدارس پیشنهاد شده است گویا چون عده کافی نبود آقای نایب رئیس رای نگرفته و مذاکره هم ندارد گویا همه آقایان موافق باشند که بدون مذاکره بگذرد.

رئیس - چون آنرا معاون وزارت معارف امضاء کرده بود بنده پس فرستادم که وزراء امضاء کنند اگر تاروز شنبه آمد بجهت دستور شنبه میگذاریم والا میماند بروز یکشنبه.

معین الرعایا - خاطر نمایندگان محترم بغوی مسیوق است که هفتماه است آذربایجان حاکم ندارد و در بدو امر آقای علاه الدوله را معین کردند و پس از مدتی نمی دانم بجهت ملاحظه استفاده دبیر بعد از آن حضرت والا

عین الدوله را معین کردند سده ماه تمام است که کمتر وقتی شده است انجمن بلاکش ایالتی آذربایجان برای تسریع حرکت آقای عین الدوله تلگراف نکرده باشد و ما نمایندگان آذربایجان سمام تمام است در تکاپو بوده ایم که حضرت والا با آذربایجان

بروند بازم به مقصود خودمان نایل نشدیم حال حضرت والا فرمانفرما را حاکم کرده اند نمی دانم ایشان هم مثل آقایان سابق الذکر حکومت آذربایجان را برای استفاده شخص خودش قرار خواهد داد که از اسم حکومت آذربایجان استفاده بکند یا خواهد رفت امیدوارم خداوند فردای قیامت در محکم عدل خود داد مظلومین آذربایجان را از این اشغاص بگیرد در این ضمن هم وزراء عظام در نظر گرفته اند

که تقوینی در تحت ریاست آقای سردار بهادر و مسیو یلمر خان آذربایجان بفرستند ما تصور کردیم کفرته اند امروز صبح از آقای رئیس الوزراه وزیر داخله شتوال کردم فرمودند نرفته اند همه آقایان وضع آذربایجان را میدانند که آذربایجان در چه آتش میسوزنی هیچ بنده لازم نیست عرض کنم حالا تقاضا میکنم که یک کمیسیونی از مجلس تشکیل شود چونکه ماو کلای آذربایجان هم هراعضان از تأثیر افتاده است یک کمیسیونی تشکیل شود از آزمجلس که با وزراء ملاقات کرده ادوئی در این چند روزه بفرستند حالا بنام مقدس اسلامیت و

ایرانیت از مجلس مقدس شورای ملی تقاضا میکنم که یک کمیسیون پنج شش نفری معین کند که با وزراء ملاقات نمایند اولی در باب تسریع حرکت حکومت که حکومت فوری حرکت کند و بعد در باب حرکت اردو قراری بدهند و بعد از رفتن اردو اگر حکومت چند روزی تأخیر کند هییی نخواهد داشت

لکن رفتن اردو اصلا خیلی لازم است

رئیس - بنده گمان میکنم این نوع مذاکره کردن در اینجا هیچ فایده نداشته باشد یا باید از وزراء شتوال کنید یا استیضاح

معین الرعایا - مقصود بنده ابتدا شتوال و استیضاح نبود مقصود تقاضای کمیسیونی بود که بروند بطور رسمی یا غیر رسمی بخواهند کاردر را بفرستند.

رئیس - این راهم بنویسید و رای بگیریم والا اگر من بخواهم اینطور اجازه هارا بدهم مجلس از نظم خارج خواهد شد

(در این موقع که یکساعت ونیم از شب گذشته است رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد)

جلسه ۳۱۴

صورت مشروح روز شنبه

۵ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۶

رئیس (آقای مؤتمن الملک) ۳ ساعت و ربع کم قبل از غروب بجای خود جلوس نموده و پس از ده دقیقه افتتاح شد (صورت مجلس روز پنج شنبه سیم را آقای آقا میرزا ابراهیم نغان قرائت نمودند)

(غائبین جلسه قبل) بدون اجازه آقایان آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقا سید محمد باقر ادب حسنیلیخان - میرزا علی اکبر خان با اجازه آقایان معزز الملک - حاج مصدق الملک آقایانی که از وقت مقرر تأخیر نموده اند - آقا شیخ رضا ۳۰ دقیقه آقای طباطبائی ۴۰ دقیقه آقای حاج امام جمعه نیم ساعت

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی اگر هست بفرمائید

آقای سید حسن مدرس - بنده دراصل واگذار کردن سیم تقاله بدولت حرفی نداشتم در کیفیات واگذار کردن سیم و متعلقات بعد از ۵۰ سال بدولت حرف داشتم

بجهت - ماده دوم را بنده زائد ندیده استم در آتجائی که نوشته بود در موقع لزوم هر چه کردم در موقع لزوم لازم نیست قید شود البته بجهت اینکه کیانی خودش در آن موقع بهر یک از مفادنی که